

اقدام هماهنگ سازمان جهانی کار و جناح اصلاح طلب حکومت اسلامی

علیه جنبش کارگری ایران

انتشار گزارش هیئت وابسته به سازمان جهانی کار در باره وضعیت تشکلهای صنفی و قانون کار جمهوری اسلامی، واکنش‌های متعددی را در میان جناح‌های رژیم و احزاب اپوزیسیون برانگیخت. رئیس شاخه آزادی فعالیت اتحادیه‌ای این سازمان ضمن بررسی قانون کار جمهوری اسلامی ایران و مغایرت برخی مواد آن با مقاوله‌نامه‌های سازمان جهانی کار اعلام داشت که در ایران آزادی تشکلهای کارگری وجود ندارد. این گزارش خاطرنشان می‌سازد که به «همین دلیل شوراهای اسلامی کار که در حال حاضر به عنوان نمایندگان جامعه کارگری فعال هستند را نمی‌توان انجمن‌های واقعی کارگران دانست.» هیئت اعزامی سازمان جهانی کار با اشاره بر خصلت سیاسی تشکلهای کارگری، به رژیم اسلامی توصیه می‌کند تا ضمن اصلاح قانون کار فعلی، جهت ایجاد انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌های واقعی کارگری، گام بردارد.

هیئت اعزامی سازمان جهانی کار در گزارش خود بر نکاتی انگشت نهاد که پیشتر در دستور روز دفتر ریاست جمهوری و وزارت کار قرار گرفته بود. لزوم ایجاد تشکلهای صنفی بصورت یک استراتژی تمام عیار و سازمانیافته و بمنظور مقابله با مبارزات مستقل کارگری بمرحله اجرا گذاشته شده بود. همچنین جهت پاسخگویی به نیازهای سرمایه و تحمیل شرایط مشقت‌بارتر به کارگران، بحث بر سر ضرورت ایجاد تغییراتی در برخی مواد قانون کار نیز یکی از موضوعات مشاجره جناح‌های حکومت اسلامی بوده است. بدین سان اقدام سازمان جهانی کار پیش از هر چیز جهت تسریع برخی تحولات دولتی و تضعیف گرایشی بوده است که در این مسیر مقاومت بخرج می‌دهد. برخلاف توهم پراکنی‌های احزاب چپ سرمایه، زیر سؤال رفتن نقش خانه‌کارگر و شوراهای و انجمن‌های وابسته به آن توسط سازمان جهانی کار، نه بدلیل نقش پلیسی و سرکوبگرانه آن در طی بیست و پنج سال گذشته، بلکه به خاطر «سیاسی» بودن شوراهای اسلامی کار صورت گرفته است. آنجا هم که این هیئت سخن از نبود آزادی میراند، بطور مشخص اشاره به محدودیتهای قانون کار در این زمینه دارد. از همین رو نیز تضعیف بیشتر حزب اسلامی کار و تقویت جبهه مشارکت اسلامی و تشکلهای وابسته و تسریع اصلاحات قانون کار از پیامدهای عملی دیدار هیئت سازمان جهانی کار می‌باشد.

مذاکرات چند روزه هیئت مزبور با مقامات دولتی و تایید ضمنی تشکلهای دست‌ساز وزارت کار پاسخ رد بورژوازی بین‌المللی به تاکتیک خانه کارگر در مقابله با جنبش کارگری بود. تاکتیک که بر اساس آن قرار بود تا فعالیتهای آتی خانه کارگر در دو بخش سیاسی (حزب اسلامی کار) و بخش صنفی (خانه کارگر و انجمن‌ها و شوراهای وابسته بدان) پیش رود. کارشناسان کارگری سرمایه‌داری جهانی نیز همانند گروههایی از اصلاح‌طلبان مسلمان به این نتیجه رسیده‌اند که نقش پلیسی خانه‌کارگر، علیرغم «خانه‌تکانی سیاسی» آن پایان رسیده است. از همین رو نیز با انتشار گزارش هیئت وابسته به سازمان جهانی کار، کشمکش جناح‌های رژیم اسلامی، حزب اسلامی کار و جبهه مشارکت اسلامی تشدید گردید. چرا که این گزارش حکایت از همسویی سازمان جهانی کار با دفتر ریاست جمهوری و جبهه مشارکت اسلامی در پیشبرد «استراتژی مهار و کنترل جنبش کارگری ایران از طریق سیاست‌زدایی» و سازماندهی اتحادیه‌های کارگری داشت. طرح نشست‌های سه‌جانبه که قویا مورد تاکید سازمان جهانی کار است را نیز باید یکی از همین ابزارها در پیشبرد استراتژی مزبور دانست. طرحی که بنا بر آن قرار است تا توافق سه‌جانبه نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت حول مسایل مورد مذاکره امکان هرگونه حرکت مستقل اعتراضی را با چماق توافق و قانون از کارگران سلب نماید. گام اول چنین طرحی میان مسئولین سازمان جهانی کار و وزارت کار سابق که با انتخاب وزیر جدید کار توسط خاتمی کنار رفت، برداشته شد. امروز اما اربابان سرمایه بر این باورند که جنبش اصلاح طلب دولتی شایستگی بیشتری در پیشبرد این سیاست‌های ضد کارگری دارد.

گروههای موسوم به جبهه دوم خرداد در پیشبرد اهداف عمومی خود از حمایت بخش قابل توجهی از جناح‌های چپ و راست سرمایه برخوردار هستند. این طیف حول پاسخگویی به برخی نیازهای اساسی نظام سرمایه وحدت نظر دارند.

نیازهایی همانند لزوم انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد، کنار زدن باندهای متعصب و خشک‌مغز وابسته به ولایت فقیه، انجام اصلاحات در قانون کار و پیشبرد استراتژی جدید سیاست‌زدایی و صنفی‌سازی مبارزه کارگری از جمله نکات مورد توافق اینان می‌باشد. برغم وحدت کلی میان جناح‌های طبقه حاکم، حول چگونگی رویارویی با جنبش کارگری اما تشتت بر صفوف اینان سایه افکنده است. کشمکش حزب اسلامی کار و باند مشارکت اسلامی که در درگیری‌های قلمی روزنامه همشهری و خانه کارگر تبلور یافت گویای چنین تشتتی است. دامنه اختلافات آنها هر قدر که وسیع باشد، در مقابل طبقه کارگر بمتابیه یک طبقه عمل میکنند.

اعزام هیئت سازمان جهانی کار به ایران و انتشار گزارش این نهاد فضای مناسبی برای ابراز وجود جناح چپ اپوزیسیون بورژوازی ایران فراهم ساخت. احزاب و گروههایی که بدروغ نام کمونیست و کارگر بر خود نهاده‌اند، به پابوسی نهاد کارگری سرمایه‌داری جهانی رفته و با ارسال شکوه‌نامه‌ها و گلابه‌ها در این کارناوال سیاسی ضد کارگری به خوشرقصی پرداختند. نگاهی به مواضع حزب توده، سازمان فدائیان اکثریت، سوسیال‌دمکرات‌های جوان وطنی و محافظی که تحت نام کارگر به انتشارات جنبش اصلاح‌طلب داخل ایران آویزان گشته‌اند صحت این گفته را آشکار می‌سازد.

نمایندگان کارگران صنعت نفت در سال ۵۸، پس از بیست و پنج سال سکوت در مقابل سهم خویش در به شکست کشاندن جنبش کارگری، بر سر سفره خون‌آلود باندهای اصلاح‌طلب رژیم اسلامی حضور یافته و خود را نماینده نسل کنونی کارگران خوانده و آمادگی خود در روزنامه‌های جناح اصلاح‌طلب را برای شرکت در نهادهای صنفی-دولتی آتی جهت مهار و کنترل مبارزه کارگری اعلام کردند.

دامنه اختلاف احزاب موجود در پیکره تشکیلاتی و حضور اجتماعی‌شان هر چقدر وسیع باشد، در حوزه مبارزه سیاسی و مواضع طبقاتی اما بمتابیه یک طبقه عمل میکنند. شعار استراتژیک کلیه جناح‌ها و احزاب بورژوا دربارۀ اوضاع کنونی ایران یگانه است: به سرانجام رساندن تحولات دولتی و پیشگیری از هرگونه حرکت انقلابی از پایین، ایجاد اتحادیه‌های کارگری و بازار کار با ثبات، رفع موانع برای رشد و اصلاحات اقتصاد. اینان میکوشند تا با تبلیغات زهرآگین و بی‌وقفه بر یاس و رخوت ناشی از شکست‌های تاکنونی مبارزه سوسیالیستی دامن زده و کارگران را از هر گونه امید به سازمانیابی سیاسی و تلاش برای دگرگونی بازدارند. میکوشند تا چنین وانمود کنند که گویا وجود یک نظام سرمایه‌داری اصلاح شده و انسانی ممکن است.

دیدار هیئت سازمان جهانی کار از ایران و همسویی با جنبش دولتی اصلاح‌طلب را، باید همچون اقدام هماهنگ بورژوازی داخلی و بین‌المللی در تهاجم به جنبش کارگری ایران تلقی کرد. گزارش هیئت وابسته به سازمان جهانی کار و اشاره آن به لزوم ایجاد تشکل صنفی کارگری، در همراهی با استراتژی سیاست‌زدایی دولت اصلاح‌طلب، و به منظور تقویت آن در مقابل دیگر باندهای رقیب صورت گرفت. یاری‌رسانی نهاد کارگری سرمایه جهانی به جمهوری اسلامی محکوم است. تلاش برای ایجاد تشکل صنفی کارگری تحت حاکمیت رژیم اسلامی، مفهومی جز تایید حیات ننگین آن و تکمیل دستگاه دولتی ندارد. اعطای حق فعالیت صنفی به طبقه کارگر با هدف ریاکارانه سلب حق دخالت کارگران در امور سیاسی و برسمیت شناختن نهادهای سیاسی ضدکارگری که به نام کارگر سخن می‌گویند، صورت می‌گیرد. کارگران یک طبقه اجتماعی بوده و تنها تشکل مدافع حقوق کارگران، تشکیلات طبقاتی، حزب سیاسی کارگران می‌باشد. حزبی که باید بدست خود کارگران ایجاد شده و پرچم مبارزه با سرمایه‌داری جهانی و برپایی سوسیالیسم را به اهتزاز درآورد.

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست

دی ماه ۱۳۸۲